

آینه

کیتان

هجوم هماهنگ اصلاحات به ارزش‌های اسلامی

● در روزهای گذشته برخی مدعیان اصلاحات در چندین جبهه به مقابله صریح با ارزش‌های اسلامی پرداخته و این تقابل آنان در روزنامه‌های زنجیره‌ای و برخی مراسمات خاص که از سوی شهرداری تهران برگزار شد، نمود یافته است. تقابل با احکام صریح اسلام از جمله ضرورت رعایت حجاب به عنوان نص صریح قرآن که با بهانه اجباری نبودن حجاب از سوی مدعیان اصلاحات مطرح شده... در شه‌پور ماه سال جاری و پس از انتخاب نجفی به عنوان شهردار تهران «کیهان» در گزارشی به این مسئله پرداخته و خواستار رعایت «خط قرمز فتنه» در انتخاب مدیران شد. در بخشی از این گزارش آمده بود: «اساس نجفی برضدلی‌ای نشسته که مقدمات قانونی و صلاحیت اکتساب آن را ندارد!» البته این تنها شهرداری تهران نیست که در مراسمات خود قیود و ضروریات اسلامی و شرعی را زنجیرا می‌گذارد ، در دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت علوم نیز حکایت همین است!... تاج‌زاده گفته است: «مشروطه‌خواهان واقع‌بینانه‌تر از ما روی انقلاب اسلامی عمل کردند. آنها سیاست را می‌فهمیدند و با اینکه امکان تشکیل حکومت اسلامی داشتند، این کار را نکردند. می‌دانستند حکومت اسلامی تشکیل‌دادن یعنی زدن زیرآب دین. من الان آن اعتقاد گذشته را به جمهوری اسلامی دفاع می‌کردیم. الان فقط سیاسی دفاع می‌کنم. چون الترناتیوی ندارد با الترناتیوش بدتر از خودش است... من در سال ۸۵ با ۸۶ در حزب مشارکت بین دوستان خودمان گفتم ما باید شعار آزادی حجاب بدهیم.»



ارتقا از «دوسپ» به دانسیسم!

● سه‌شنبه شب ویدئویی در فضای مجازی منتشر شد، رقص و آوازخوانی دختران در حضور مردان و مسئولان شهرداری، به بهانه ولادت حضرت زهرا (س) در برج میلاد تهران. شرح جزئی‌تر این رقص، عشوگویی و طنزای دخترکان آن مراسم نه قابل نگارش و چاپ در روزنامه است و نه اساسا نیازی به آن است، اما ویدئوی منتشره به واقع یک ویدئوی «مبتدل» یعنی خارج از حدود احکام و معارف دین مبین اسلام بود. ظاهرا و بنا بر تجربه هفت‌ماهه از مجموعه مدیریت شهری، این قبیل اقدامات حاشیه‌ای و، پشت، رول کار و دستور عمل شده است، آن هم به‌خاطر برپا کردن حواس‌ها از ناکارآمدی و بی‌عملی، اما در واقع بازخورد‌های مردمی در همین مدت هفت ماه نشان می‌دهد از قضا بر ممکن بیان شده که تیم جدید مدیریت شهر تهران چیزی برای عرضه در پایتخت و اقیاع مردم ندارد و من بعد هم احتمالا بر همین متوال نخواهد داشت.

ایران

سناریوهای ایران برای «برجام» منهای آمریکا

● در گفت‌وگو با ناصر هادیان؛ چهار گزینه پیش‌روی ایران به‌عنوان طرف اصلی توافق هسته‌ای وجود دارد؛ ۱- کشورمان همچنان که به‌تعهداتش پایبند بوده، به این رویه ادامه دهد. یعنی چنانچه کشورهای اروپایی، روسیه و چین و بقیه دنیا تعهدات خود در برجام را همچنان اجرا کردند، ایران هم به اندازه تعهداتش بر اساس چیزی که تاکنون اجرا کرده نه کمتر و نه بیشتر به برجام پایبند بماند. ۲- اگر آمریکا برجام را آتش بزند ما آن را پاره می‌کنیم. ۳- اگر آمریکا از برجام خارج شد، ایران متناسب با خروج آمریکا از تعهدات خود می‌کاهد. بدین معنا که مثلا اگر ذخیره اورانیوم ما ۳۰۰ کیلو باشد، با خروج آمریکا از برجام آن را به ۴۰۰ کیلو افزایش دهیم. ۴- اگر آمریکا از برجام خارج شد، ایران بر عکس، تعهدات خود را افزایش دهد و اعلام کند برای نشان دادن حسن‌نیت به جهان، تعهدات خود را به بیش از حد موجود در برجام افزایش می‌دهد. معتقدم در این گزینه‌ها، احتمال پیکیری موارد دوم و چهارم کم و احتمال گزینه اول و سوم زیاد است.

نقد و بررسی

نشانه چرخش بازارسازاری

● در روزهای اخیر دو اتفاق جدید در بازار ارز رخ داده است؛ اول، توقف روند کاهشی ارزهای مهم بازار و دوم، سرعت‌گرفتن رشد یورو نسبت به دلار. روز گذشته بازارساز برای دومین روز متوالی یورو را بیش از ۶۰ تومان افزایش داد تا این ارز از مرز پنج هزار و ۶۰۰ تومان عبور کند. این در حالی است که دلار در همین بازه زمانی تنها ۳۴ تومان رشد کرد. با وجود اعمال این تغییرات، صف‌های ارزی همچنان در بازار به چشم می‌خورند؛ چراکه به‌رغم این تعدیل قیمت‌ها، همچنان امکان آربیتراژ ارزی در بازار فراهم است. توقف روند کاهشی دلار و سرعت‌گرفتن رشد یورو حکایت از چرخش سیاست‌ها در بازار ارز دارند. چرخشی که از نظر بسیاری از فعالان برای خلوت‌شدن صف‌های ارزی صورت گرفته است.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

جواد ظریف در گفت‌وگو با «شرق»:

با امید مردم بازی می‌کنند



عکس: ژنوفل رستفم، شرق

زینب اسماعیلی

حالا دیگر مقابل محمدجواد ظریف که بنشین نمی‌توانی از محبوبیتش بگویی یا از مقایسه‌اش با آدم‌های مهم تاریخ، چه آنکه آن تب تند جامعه ایرانی حالا دیگر فروکش کرده است. حالا دیگر جواد ظریف، وزیر خارجه‌ای است در پیچ تندِ از تاریخ؛ پیچی که می‌تواند همه تلاش ۱۸ ماه مذاکره‌اش را بر باد بدهد یا کج‌رازم‌رینز نگهش دارد.
بله درباره برجام سخن می‌گوییم؛ توافقی که حالا به‌دست تندر‌و‌های ضدایرانی در آمریکا افتاده است؛ همان توافقی که به‌دست دموکرات‌های دنبال مصالحه آمریکایی و نمایندگان ایران و پنج کشور دیگر نوشته شد. هفته گذشته فرصت کوتاهی دست داد تا گفت‌وگوی سالانه‌مان با محمدجواد ظریف‌اش را انجام دهیم؛ دیپلماتی که می‌داند مخاطب سخنانش را نمی‌تواند انتخاب کند پس مراقب حرف‌هایش هست؛ حرف‌هایی که می‌تواند از سوی طرف مقابل بهانه‌ای جدید شود.
از همین‌رو نمی‌توان خیلی انتظار سخنان متفاوتی داشت. از گفت‌وگوها بر سر مسائل منطقه‌ای آغاز کردیم و به برجام رسیدیم. از کنوانسیون خزر و آنچه در مسیر تدوین رژیم حقوقی این دریاچه می‌گذرد، پرسیدم و اینکه قرار است چه اتفاقی برای خزر رخ دهد. او خبر داد که به‌زودی در معاونت سیاسی مسئول ویژه خزر خواهیم داشت.

■ در روزهای پایانی سال ۹۶ هستیم؛ دست‌کم برای ما که مذاکرات هسته‌ای را پوشش دادیم و در این حوزه می‌نویسیم، سال ۹۶ سال دلهره از‌دست‌رفتن برجام بود. حداقل برای ما این‌طور بود. شما هم در این سال، این دلهره و نگرانی را داشتید؟

بالا‌خره در دیپلماسی ما موظف هستیم همه انتخاب‌ها را در نظر داشته و برای همه سناریوهای ممکن آمادگی داشته باشیم. کسانی که برجام را مذاکره و تدوین کردند، کاملا وقوف داشته‌اند که هر کلمه و سطر برجام با بی‌اعتمادی مقابل نوشته شود. اگر نه که نیازی نبود این‌قدر طولانی باشد. از ابتدا طرف مقابل تلاش داشت که اقدامات ما را در حوزه هسته‌ای محدود کند تا این حق انتخاب نداشته باشد اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسید. ما هیچ محدودیتی را برای تحقیق و توسعه در حوزه هسته‌ای خود نپذیرفتیم.

تحقیق و توسعه بر اساس روند معقول و علمی در برجام دیده شده و پیش می‌رود. بنابراین توانمندی‌های امروز ما در حوزه هسته‌ای با توانمندی‌های روزی که برجام به توافق رسید، قابل مقایسه نیست. ما پیشرفت‌های خودمان را داریم. همه اینها به این دلیل بود که نپذیرفتیم توانمند به صورت یک‌طرفه اقدام کنند. اگر روزی طرف مقابل تصمیم بگیرد از برجام خارج شود یا تصمیم بگیرد ایران را از منافع برجام محروم کند، بحمدالله ما انتخاب‌های کافی داریم که اقدامات متقابلی انجام دهیم که برای طرف مقابل حتما خوشایند نخواهد بود. در سال گذشته با دقت شرایط را رصد کردیم و با صداقت و مراحت هم به‌داخل گزارش کردیم. شما می‌بینید گزارش‌های ما به مجلس شورای اسلامی با گزارش‌هایی که خود مجلس تهیه کرده خیلی فاصله ندارد و این نشان‌دهنده واقع‌بینی و صداقت ماست. همه این کارها را کردیم، اما دلخواه ما نداشتیم. چراکه اعتقاد داشتیم اولا خروج آمریکا از برجام، به انزوای آمریکا می‌انجامد. اگر دلیلی باعث شده آمریکا از برجام خارج نشود همین بوده، نه اینکه آقای ترامپ علاقه‌ای به برجام داشته باشد. آقای ترامپ کسی بود که یک سال قبل از اینکه رئیس‌جمهور شود گفت اولین کاری که خواهم کرد این است که به ایران بازگش شوم. اینکه این اتفاق نیفتاده است به‌خاطر خارج‌شدن او از انزوای خودش بوده - البته به این معنا نیست که برجام را با حسن نیت اجرا کرده، سونیت آمریکا تقریبا در هر اقدامی که سال گذشته انجام داده، مشخص است- بنابراین آنچه در سال گذشته اتفاق افتاد و احتمالا در ماه‌های آینده هم ادامه خواهد داشت، به یک تکرش واقع‌بینانه به شرایط و آمادگی برای سناریوهای مختلف نیاز دارد. انتخاب ما خروج از برجام نیست. اگر این انتخاب ما بود، دو سال وقت تلف نمی‌کردیم که مذاکره کنیم.

■ چه اتفاقی برای پرواز شما در مونیخ افتاد، چرا سوخت به پرواز ندادند؟ شما اغلب درباره این‌طور موضوعات اطلاعات رسانه‌ای می‌گیرید. این‌بار چیزی نگفتید. وزارت دفاع آلمان و سفارت ایران در برلین دراین‌باره توضیحاتی دادند، اما گروهی این موضوع را دستاویز جدیدی کردند علیه برجام.

متأسفانه گروهی در کشور ما هستند که برای نشان‌دادن بدعهدی آمریکا، کشور را تحقیر می‌کنند. موضوع از این فراد بود که به‌خاطر سفر رئیس‌جمهور می‌خواهند با ایران صحبت کنند. برای همین است که می‌بینیم آقای ترامپ از روز اول می‌گفت «برجام» بعدترین توافقی است که آمریکا امضا کرده. برای اینکه آمریکا را در مقابله با برجام منزوی نکنند، بهانه‌هایی پیدا کرده‌اند. اما آیا راجع به این بهانه‌ها جدی فکر کرده‌اند؟ اروپا می‌خواهد در مورد چه با ایران صحبت کند؟ یا همیشه با اروپا در مورد مسائل مختلف گفت‌وگوهایی داشته‌ایم؛ ما نگرانی و نظرات خودمان را گفته‌ایم و آنها هم نگرانی‌های خودشان را گفته‌اند. اما اگر بخواهند فراتر از آن بروند باید بداند که اروپایی‌ها در این زمینه به‌دکار هستند. این اروپایی‌ها و غربی‌ها بودند که به صدام حسین سلاح دادند. این غربی‌ها بودند که انتخاب‌های غلطی در منطقه داشتند. غربی‌ها بودند که در برابر جایات‌های رژیم صهیونیستی علیه مردم منطقه ما سکوت یا آن را تأیید کرده‌اند.

■ درباره گفت‌وگوهای منطقه‌ای چطور؟

در همه این مسائل، ما این موضوعات را به آنها گفته‌ایم. این موضوعات در تمام مباحث ما مطرح می‌شود. اما اگر بخواهند از این موضوع استفاده کنند و بگویند که ما وارد مذاکراتی با ایران شده‌ایم تا آمریکا را راضی کنیم، آن وقت ما وارد بحث دیگری می‌شویم.

■ اما اگر آنها بخواهند آمریکا را راضی کنند یا در برجام تغییری ایجاد کنند، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

اگر اروپایی‌ها به صورت متحد یک نکته بگویند، این است که برجام قابل مذاکره مجدد نیست. اینکه تلاش کنند به آمریکایی‌ها بگویند ما در سایر موضوعات با ایران بحث کرده‌ایم، یک حرکت با عواقب ناخوشایند برای خود اروپایی‌ها خواهد بود. به خاطر اینکه چنین سیاستی در گذشته کار نکرده و در آینده هم کار نخواهد کرد. اگر آنها هم بخواهند وارد این بازی بد و اشتباه شوند، جمهوری اسلامی آنها را همراهی نخواهد کرد.

■ تاکنون در مذاکره با اروپایی‌ها تغییر رویه‌ای مشاهده نکرده‌اید؟ اینکه آنها بخواهند شما را قانع کنند تا گفت‌وگوهای منطقه‌ای را به سمت راضی‌شدن ترامپ ادامه دهید؟

دیدگاه‌های ما در این زمینه کاملا مشخص است. ما همواره به اروپاییان گفته‌ایم که باید نقش سازنده‌تری در منطقه ایفا کنند. بنابراین آنها چیزی ندارند که ما را در این زمینه قانع کنند.

■ آقای عراقچی هفته گذشته در لندن گفتند که «اگر سیاست بلاتکلیفی ما درمورد برجام ادامه پیدا کند و همکاری بانک‌ها و شرکت‌ها با ما این‌طور نامعلوم باشد، ما در توافقی که نفعی برای ما ندارد، نمی‌مانیم». آیا این سخن به این معنی است که ممکن است ما زودتر از ماه می (اردیبهشت) و موعده اعلام نظر ترامپ، در مورد برجام اقدامی کنیم؟ درحالی‌که اغلب صاحب‌نظران معتقدند که ترامپ ماه می از برجام خارج می‌شود.

آنچه ما گفتیم این است که ما بر اساس منافع خودمان تصمیم می‌گیریم. اگر در اصل منافعی که قرار بوده برجام برای ایران تضمین کند، تشکیک شود ایران تصمیم لازم را خواهد گرفت. ولسی ما اعلام کرده‌ایم، اولین کشوری نخواهیم بود که از برجام خارج می‌شود و این سیاست جمهوری اسلامی است. اما اینکه خروج از برجام یعنی چه؟ باید آن را با اقدامات سنجید و نمی‌توانیم در خلا صحبت کنیم که چه زمانی آمریکا از برجام خارج خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

تیشه به ریشه

وقتی به این خواست مشترک و تأکید مردم بر آن در ایام مبارزات انتخاباتی نگریسته شود، یادآور سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به‌عنوان بزرگ‌ترین سند بالادستی ایران است. ۱۰ سال بودجه و انرژی کشور برای گردهمایی کارشناسان و عقلای کشور در تدوین سند صرف شد و پس از تصویب، سند به توشیح مقام معظم رهبری رسید. این سند تأکید دارد ایران باید تا سال ۱۴۰۴، اقتصاد اول منطقه در پرتو تعامل سازنده با همه جهان باشد. امروز که شش سال از اعلام خواست مردم در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم می‌گذرد و چند سالی به ۱۴۰۴ باقی‌مانده، وقتی به اول‌شدن در اقتصاد تعامل سازنده با همه جهان اندیشیده می‌شود، تنگناهای جدی در سیاست خارجی و اقتصاد خود را نشان می‌دهند؛ اینکه حداقل در این دو حوزه پایبندی به سند چشم‌انداز وجود ندارد. یقینا منظور سند چشم‌انداز این نبوده که جهان باید برای پیاده‌کردن این سند، برای ما فرش قرمز بگسترد، بلکه با وجود دینامیک بودن تحولات و پیشرفت‌های جهانی و تنوع رقابت‌ها و از‌جمله تلاش برای محدودکردن قدرت ایران در خاورمیانه، باید اقتصاد ایران در منطقه اول شود و سیاست خارجی کشور با تمرکز بر تعامل سازنده با همه کشورهای جهان هموار شود. نمی‌توان این را که کشورمان پیشرفت‌هایی در زمینه‌های گوناگون داشته است، انکار کرد؛ ولی تا زمانی که برای اقتصاد و سیاست خارجی راهبرد اجماع‌پذیری مانند سند چشم‌انداز وجود نداشته باشد و تا زمانی‌که سند ملی پشت سند ملی تنظیم کنیم و کنار بگذاریم، پیشرفت‌ها نیز در جایگاه خود معنا پیدا نمی‌کنند. مشاهده می‌شود که خصوصت با آمریکا که با آمدن دونالد ترامپ، دلایل بیشتری به دست آورده و اختلافات ایدئولوژیک و مبنایی با اسرائیل پررنگ است، اعراب به رهبری عربستان به سمت نوعی دشمنی تاریخی در حرکت‌اند. برخی نیز از دست‌خالی‌کردن بورس جاسوسن، وزیر امور خارجه بریتانیا، از ایران خشنودند و لودریان، وزیر خارجه فرانسه را با دست‌خالی بدقه کرده‌اند. پس در صحنه سیاست خارجی باید با کدام کشورها وارد تعامل شد؟ چین و برای ایران در صحنه سیاسی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری به‌اصطلاح تره هم خرد نمی‌کند و فقط با تزریق کالاهای دست‌پایین خود با کره‌جنوبی و هند در اشغال بازار مصرفی ایران رقابت می‌کند. هر اندازه ایران به سمت روسیه گرایش سیاسی پیدا می‌کند، چین از ایران دور می‌شود. علایق ایران با روسیه فقط به حوزه سیاست و امنیت در سوریه منتهی می‌شود و علانی در سایر حوزه‌ها مانند حق‌و‌حقوق در دریای خزر، اقتصاد، علم، تجارت و بقیه موارد مشاهده نمی‌شود. اگر بر فرض هم مشاهده می‌شد، گرایش یک‌طرفه ما به روسیه، در غیاب کشورهای دیگر، نقض آشکار سیاست «نه‌شرقی، نه‌غربی» محسوب می‌شود. آیا نسل حاضر ما و جوانان ما قادر هستند پاسخی به چگونگی تحقق سند چشم‌انداز بدهند که چرا بعد از ۱۲ سال از اجرای آن، به‌جای پیشرفت، پس‌رفت در اقتصاد منطقه داشته‌ایم؟ آیا ممکن است این همه مشکلات ریزدرشت در صحنه اقتصادی کشور وجود داشته باشد؛ اما آنها مرتبط با راهبردها در اقتصاد و سیاست خارجی نباشند؟ تا دیر نشده به‌خود آییم، از تاریخ تحقق سند چشم‌انداز حدود هفت سال باقی مانده است.

سال ۱۳۸۴ که سند چشم‌انداز اجرایی شد، مقام چهارم را در اقتصاد منطقه داشتیم؛ ولی امروز نزدیک به مقام چهاردهم هستیم. باید پاسخی روشن و قانع‌کننده برای نسل جوان و مردم شریف ایران داشت. قرار بود وقتی توافق هسته‌ای برای ازبین‌بردن اثرات بی‌تدبیری که به قطع‌نامه‌های شورای امنیت انجامید، در پرتو لغو تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای، به‌سرعت در دو حوزه سیاست خارجی و اقتصاد حرکت کنیم با عقب افتادگی‌ها جبران شود. امروز در واپسین روزهای سال ۹۶، جدای از برخی مشکلات خارجی، عده‌ای صاحب‌نفوذ در داخل تیشه به ریشه این توافق زدن تا همان دو هدف هم به دست نیاید؛ غافل از اینکه این تیشه به ریشه کشور است و آثار آن دیر یا زود تبلور پیدا خواهد کرد.

استیضاح؛ حق یا اختیار؟

به عنوان مثال، نباید از موافقت اخیر مجلس در فروش اراضی ملی به خابانی که تغییر کاربری غیرقانونی داده‌اند، شگفت‌زده شویم؟ آیا چنین مصوبه‌ای از اعتبار استیضاح وزیر جهاد کشاورزی نمی‌کاهد؟ این کاهش اعتماد هنگامی افزون‌تر می‌شود که پرسش‌ها در طرح‌شدن در این استیضاح (حتی اگر بعضی از آنها نیز درست باشد) را با دقت مرور کنیم؛ پرسش‌هایی که کمتر نشانه‌ای از فراگیری، توسعه پایدار و تولیدمحوری دارد. در چنین شرایطی، چه‌بسا نتیجه بگیریم این بار هم مجلس «اختیار در استیضاح» را با «حق استیضاح» جابه‌جا کرده است.

به هند و حضور من در مسکو فرصت خیلی اندکی برای حضور من در مونیخ به وجود آمده بود. برای سوخت‌گیری پرواز من، به پکی، دو شرکت مراجعه شده بود که گفتند ملاحطاتی دارند. به نظر من آن ملاحظات هم براساس اطلاعات غلطی بود که دریافت کرده بودند؛ مثلا دراین‌باره که هواپیمای بنده از کدام شرکت و کدام سرویس استفاده می‌کند... بنابراین تأملاتی داشتند. ما هم فرصت نداشتیم. سفارت ما فورا به دولت آلمان مراجعه کرد و دولت آلمان تصمیم گرفت ارتش وارد شود و موضوع ادامه پیدا نکند. خیلی از شرکت‌های نفتی گفتند اصلا با ما تماس گرفته نشد. اگر خبری را که «بی‌بی‌سی» داد ملاحظه کنید، شرکت NOV که آنجا حضور دارد گفته اصلا با من تماس گرفته نشد. شرکت دیگری گفته ما فرمی فرستادیم و آن فرم تکمیل شد. همه اینها نشان‌دهنده این است که فرصت ما کم بود. حتی موضوعی نبود که به بنده یا وزارت خارجه کشیده شود، همکاران ما در نمایندگی تماس گرفتند تا به‌دلیل اهمیتی که حضور ما در اجلاس داشت مسئله رفع شود. بعضی چیزها را فراموش می‌کنیم. من به دوستان گفتم ما سال‌ها در داووس نبودیم و هیچ‌کس اصلا نمی‌فهمید. یک سال که من تصمیم گرفتم در اجلاس داووس شرکت نکنم، همه دنیا گفتند ظریف به داووس نیامد. این نشان‌دهنده فعال‌شدن دیپلماسی جمهوری اسلامی است. اینها نقطه قوت ماست، نقطه ضعف نیست. این نشان می‌دهد که حضور ما در مجامع بین‌المللی تأثیرگذار است. در گذشته ممکن بود ۱۰ سال هم کسی به نمایندگی از کشور ما در داووس حضور پیدا نکند، ولی بعد از چهار سال وقتی به هر دلیلی من تصمیم گرفتم به اجلاس داووس نروم به یک خبر بین‌المللی تبدیل شد.

به‌جای اینکه دوستان بگویند حضور وزیر خارجه جمهوری اسلامی در اجلاس امنیتی مونیخ برای دولت آلمان این‌قدر مهم بود که برای کشید این‌کردن موضوع تصمیم گرفت ارتش آلمان وارد شود و مسئله را حل کند، تبدیلی می‌کنند به یک مشکل. مشکلی که بیش از اینکه بدعهدی آمریکا را نشان دهد، تلاش می‌کنند غرور ملی را خدشه‌دار کنند. با حرف‌های سخیفی که متأسفانه تیت‌ر اول بعضی از روزنامه‌ها می‌شود و آدم متأثر می‌شود که چرا با غرور و امید مردم این‌طور بازی می‌کنند. من معتقدم اتفاقی که افتاد، پیش‌پاافتاده بود. شرکت‌ها، شرکت‌های خصوصی هستند، تصمیم‌های خصوصی می‌گیرند. هیچ شرکتی متعهد و موظف نیست با کشوری تعامل داشته باشد. الان ببینید ما به‌این‌همه فروگذاه اروپایی پرواز مستقیم داریم، پرواز خطوط تجاری ماست. خب ما به مونیخ پرواز مستقیم ایرانی داریم. از همین‌رو، چون خطوط تجاری ما به آنجا پرواز ندارند، ما با شرکت‌های سوخت‌رسان در فروگذاه مونیخ زمینه قراردادی نداریم، اما در کشور برخی دوستان، همه اینها را که مسائل عادی است و خیلی راحت هم قابل فهم است به یک مسئله ملی تبدیل می‌کنند. به نظر من لاقول در حد بی‌بی‌سی نگاه می‌کردند و واقعیت را می‌دیدند. از سه، چهار شرکتی که آنجا بودند اصلا به دو شرکت مراجعه نشده است. موضوع فورا به ارتش آلمان منعکس شد و آنها هم به‌دلیل اهمیت حضور ایران موضوع را حل کردند.

■ به نظر می‌توانم الان تیت‌ر مصاحبه را انتخاب کنم. این جمله شما که «با امید مردم بازی می‌کنند».

(انگشت اشاره‌اش را بالا می‌گیرد و چشم‌هایش را گرد می‌کند) با امید و غرور ملی مردم بازی می‌کنند، برای منافع سیاسی خودشان. من مثالی می‌زنم که شما از این هم استفاده کنید؛ چند سال پیش آقای اوباما به سخنرانی در یک مجمع صهیونیستی گفت اگر من می‌توانستم یک پیچ و مهره از برنامه هسته‌ای ایران باقی نمی‌گذاشتم، ولی نمی‌توانم. دوستان ما «اگر می‌توانستم» و «منی‌توانم» را حذف کردند و نوشتند می‌خواهم یک پیچ و مهره هم نباشد. چرا این کار را کردند؟ چرا جمله‌ای را که می‌تواست برای ایرانی‌ها غرورآفرین باشد به یک جمله توهمین‌آمیز برای ایرانی‌ها تبدیل کردند. ما اینجا نشستهایم که مردم خودمان را تحقیر کنیم؟! اینکه تحقیر من نیست، تحقیر مردم ایران است. اینکه تصویر من را با یک بیت نفت در دست چاپ کنند، تحقیر جواد ظریف نیست، تحقیر مردم ایران است که وزیر خارجه‌شان این‌طوری رفتار کرده است. این کار را باید یک روزنامه اسرائیلی بکند نه کسی که ادعای انقلابی‌گری دارد.

■ پس آن روزنامه هنوز هم کمر شما را به درد می‌آورد؟

(با خنده) نه، دیگر عادت کرده‌ام و کمرم درد نمی‌گیرد.

■ محور آخر سوالاتم درباره تدوین رژیم حقوقی کنوانسیون خزر است. درحالی‌که بخش مهمی از کنوانسیون خزر مربوط به تحدید حدود و سهم سرزمینی است، هنوز به نتیجه نرسیده است و گویا شما در مجموعه وزارت خارجه تصمیم گرفته‌اید آن چیزهایی که بر سر آن به توافق رسیده‌اید را مکتوب، نهایی و در اجلاس سران مطرح و به امضا برسانید. ما نگران آن بخشی هستیم که به‌نظر افکار عمومی مهم‌تر است؛ یعنی بحث سهم سرزمینی. چرا چنین تصمیمی گرفته‌اید و می‌خواهید مذاکرات را این‌گونه جمع‌بندی کنید.

در بحث خزر موضوعاتی هست که برای کشورهای ساحلی دریای خزر و خود ما خیلی مهم است. موضوع از این فراد بود که به‌خاطر سفر رئیس‌جمهور

ادامه در صفحه ۷